

## سروده شاعر آلمانی برنده نوبل در دفاع از ایران و اعتراض به اسرائیل

گونتر ویلهلم گراس نویسنده، شاعر، مجسمه ساز، نقاش و گرافیست آلمانی برنده جایزه ادبی نوبل در تازه ترین شعر خود با انتقاد از اسرائیل و دفاع از ایران خشم شدید مقام های اسرائیلی را برانگیخته است.



شعری که خشم مقامات رژیم صهیونیستی را برانگیخت  
سروده شاعر آلمانی برنده نوبل در دفاع از ایران و اعتراض به اسرائیل  
گونتر ویلهلم گراس نویسنده، شاعر، مجسمه ساز، نقاش و گرافیست آلمانی برنده جایزه ادبی نوبل در تازه ترین شعر خود با انتقاد از اسرائیل و دفاع از ایران خشم شدید مقام های اسرائیلی را برانگیخته است.

به گزارش گروه فضای مجازی خبرگزاری فارس به نقل از پایگاه خبری تحلیلی ایران هسته ای- تازه ترین شعر گونتر گراس شاعر آلمانی در انتقاد از اسرائیل و دفاع از ایران خشم شدید مقام های اسرائیلی را برانگیخته است.

گونتر گراس 84 ساله با سرودن شعری که در شماره روز چهارشنبه 17 فروردین 1391 (5 آوریل 2012) یک نشریه آلمانی منتشر شد تصریح کرده است وی این پرسش را مطرح می کند که اسرائیل با دارا بودن زرادخانه هسته ای چگونه می تواند خواستار پایان بخشیدن به برنامه های هسته ای ایران باشد. گونتر گراس می گوید این شعر را که عنوان آن «&#171;چه باید گفت» است بعد از آن سرود که آلمان زبردربایی های قادر به حمل کلاهک هسته ای را به اسرائیل فروخت. اسرائیل می تواند از این زبردربایی ها برای حمله به ایران استفاده کند. گونتر گراس تصریح کرده است سال ها از انتقاد از برنامه هسته ای اسرائیل اجتناب می ورزیده است زیرا از آن بیم داشته که به یهود ستیزی متهم شود. گونتر گراس در این شعر که در نشریه آلمانی «&#171;زودویچه زایتونگ» و «&#171;نشریه ایتالیایی «&#171;لاریبالیکا» منتشر شده است خاطر نشان کرده است «&#171;اسرائیل هسته ای صلح شکننده ای را که در جهان وجود دارد تهدید می کند». وی همچنین خواستار کنترل بدون مانع و دائم توانمندی های هسته ای اسرائیل و تاسیسات هسته ای ایران از طریق یک سازمان و نهاد بین المللی شد.

این شعر با واکنش بنیامین نتانیاهو مواجه شده است. وی گراس را نازی و ضد یهود خوانده است.

متن کامل شعر گونتر گراس چنین است:

چرا سکوت می کنم، کتمانی اینهمه طولانی،

بر آنچه که آشکار است، و «&#171;از بازی جنگ»

انجام شده، که در انتها، جان به در بردگان اش،

این مائیم، حداکثر در حد در حاشیه مانده ها.

موضوع، حق ادعایی در (وارد کردن) ضربه اول است،

که پهلوان پنبه ای آن را به یوغ خود کشیده

و به هیاهویی سازمان یافته (تبلیغات) در آورده

که خلق ایران گویا باید نابود گردد، چون در حوزه قدرتش، ساختن

یک بمب اتمی مورد ظن و گمان است.

اما من چرا خود را منع کرده ام،

نام کشور دیگری را بر زبان جاری سازم،

که از سالیان گذشته- ولو مخفیانه- توان اتمی رو به تزایدی را در اختیار گرفته

فارغ از هر کنترلی، چونکه بازرسی آن

میسر نیست؟

کتمان عمومی این امر واقع، که سکوت من هم جزئی از آن است،

به نظرم، دروغ آزاردهنده ای است

الزامی که حکم مجازاتی را منظور می کند

مادامیکه مورد بی توجهی قرار گیرد

چونان حکم "ضد سامی گری" است که عادی می شود

و اما اینک، چون سرزمین من،

با جنایات خاصه اش،

که بی نظیر اند،

هر بار مورد بازخواست قرار می گیرد،

اما این بار از سر سوداگری محض، ولو

با چرب زبانی به عنوان جبران مافات اعلام می شود که،

یک زیردریایی دیگر به اسرائیل

تحویل می شود، که ویژگی اش

حمل کلاهک های انهدام جمعی است

و به جاهایی قابل هدایت باشد

که فقط وجود یک بمب اتمی که اثبات هم نشده

و فقط ترس و وا همه دلیل اثباتی آن است،

و من می گویم، آنچه را باید گفت.

و اما چرا اینهمه سکوت کرده ام؟

چون می دانستم، تبار ام،

که با ننگی هرگز زایل نشدنی عجین شده،

از آن باز ام می داشت، این امر به غایت آشکارا

به اسرائیل، سرزمینی که به آن دلبسته ام  
و می خواهم دلبسته هم بمانم، نسبت دهم.  
و چرا تازه الآن می گویم؟  
به پیری افتاده، و با آخرین خامه قلم:  
که قدرت اتمی اسرائیل به مخاطره می اندازد،  
صلح جهانی را که خود بخود شکننده و لرزان هم هست؟  
چون باید گفته شود  
که فردا خیلی دیر است؛  
نیز چون ما- آلمانی هایی که بقدر کافی گنهکاریم،  
تدارک چی جنایتی بشویم،  
که قابل پیش بینی است، و آنگاه که شراکت در جرم  
با هیچ عذر و بهانه معمولی  
زدودنی نباشد.  
و اذعان کنم که: دیگر سکوت نمی کنم  
چون از ریاکاری غربیان  
به جان آمده ام، و امید آن دارم  
بسیاری دیگر کسان نیز از سکوت رهایی یابند  
بانیان و عاملان خطر قابل لمس  
به چشم پوشی از استفاده از زور وادار شوند  
همینطور بر آن اصرار و ابرام شود  
(اجازه) کنترل های دائمی و بی مانع و رادع  
بر توان هسته ای اسرائیل  
و تاسیسات هسته ای ایران  
توسط یک نهاد بین المللی  
از سوی دولتین هر دو کشور، داده شود.

و فقط اینگونه است که

همه انسان ها در این

منطقه ای که دیوانگی آن را به اشغال خود در آورده

و تن به تن در دشمنی با هم زندگی می کنند

آخرا لامر دست ما را هم بگیرند.

\* زندگینامه گونتر گراس

گونتر ویلهلم گراس 84 ساله نویسنده، شاعر، مجسمه ساز، نقاش و گرافیک‌ساز آلمانی متولد گدانسک لهستان از پدری پروتستان و مادری کاتولیک است.

گراس از اعضاء گروه ادبی موسوم به "گروه 47" بود که در 1947 بعد از جنگ تاسیس شد. گراس در 1982 به عضویت حزب سوسیال دموکرات آلمان در آمد، ده سال در این حزب ماند و بعدا از آن بیرون آمد. هنوز طرفدار غیر عضو این حزب است. گراس با نوشتن رمان های "طبل حلبی"، "قرن من" و "سال های سگی" بیشترین اشتهار را بدست آورد و در 1999 برنده جایزه ادبی نوبل شد. او از سیاست های ویلی برانت رهبر سر شناس حزب سوسیال دموکرات آلمان حمایت می کرد و منتقد سیاست های آمریکا است. از دیدار تاریخی رونالد ریگان از آلمان انتقاد کرد و نوعی جنجال سیاسی آفرید. از انتشار کاریکاتور حضرت محمد(ص) در جراید فرانسه و دانمارک با این جمله معروف که "این غرور غربیان از کجا ریشه می گیرد" انتقاد کرد و این باعث حملاتی به او توسط جراید آلمان شد. شعر منثوری که گراس در 5 آوریل سروده و در زوددویچه زایتونگ در انتقاد تاکنون بی پرده از سیاست های اسرائیل چاپ شده ظرف چند روز اخیر جنجال های زیادی را دامن زده. دولت آلمان تاکنون موضوع گیری واضحی نکرده و سخنگویش فقط گفته است که "در آزادی های هنری آلمان بگذارید ما هم آزادی موضع گیری نکردن داشته باشیم". چپ های آلمان از موضعگیری او طرفداری کرده اند.

او با هلموت اشمیت صدر اعظم 93 ساله آلمان همفکری و دوستی دارد. اشمیت هم مواضع مشابهی دارد و انتظار این است که اشمیت هم که پدر معنوی و فکری روشنفکران آلمانی است در انتهای عمر خود به موضع گیری مشابه در این موضوع مهم جهانی بپردازد (سفارت ما شاید بتواند در این عرصه اقداماتی بکند).